

دیالکتیک مرز و توسعه: تحلیل جامعه‌شناختی دشواری‌های توسعه پایدار در مناطق مرزی غرب کشور

رشید احمدرش*^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

چکیده:

مقاله حاضر تلاشی است کیفی برای تحلیل جامعه‌شناختی عوامل زمینه‌ساز، علی و مداخله‌گر برساننده و نیز راهبردها و پیامدهای خواسته و ناخواسته مرتبط با پدیده و دال مرکزی مقاله یعنی "توسعه ناپایدار و بدقواره مناطق مرزی غرب کشور". روش مقاله کیفی بوده و از فن مصاحبه فردی و گروهی با مرزنشینان به عنوان کنشگران اصلی، نخبگان و برخی کارگزاران محلی توسعه، برای گردآوری داده‌ها استفاده شده، برای تحلیل داده‌ها نیز، از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل برساننده پدیده "ناپایداری و بدقوارگی" توسعه در مناطق مرزی غرب کشور را می‌توان "ناپایداری معیشت مرزنشینان" دانست. کولبری و مسائل مرتبط با آن، تنها بخشی از نمود ظاهری معیشت ناپایدار مرزنشینان است. این امر در موارد دیگری نیز خود را نشان می‌دهد: نرخ ترک تحصیل فرزندان، مهاجرت درون و برون‌استانی، شیوع نمونه‌هایی از مبادلات و معاملات تجاری ریسکی در جامعه مورد مطالعه پیامدهای مختلف شرایط ناپایدار توسعه در مناطق مرزی مورد مطالعه، مقوم یکدیگر بوده‌اند، چنانچه ناپایداری معیشت، ارتباط مستقیمی با گسترش فقر، افزایش نرخ بیکاری و اشتغال کاذب دارد و در همان حال علت، معلول و مقوم پدیده توسعه ناپایدار و بدقواره است. مقوله هسته پژوهش با توجه به دیگر مقولات، تحت عنوان "توسعه ناپایدار و بدقواره" در مناطق مرزی غرب کشور صورت‌بندی شده است.

کلیدواژه‌ها: تجارت غیر رسمی، تجارب زیسته مرزنشینی، توسعه ناپایدار، مرز.

۱. استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان کردستان، سنندج، ایران.
rahmadrash76@yahoo.com

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Volume 10, Issue 2 - Serial Number 19, Autumn and Winter 2018

Dialectics between Border and Development (Sociological Analysis of the Problems of Sustainable Development in the Western Border Regions of the Country)

Rashid Ahmadrash^{1*}

Received: December 31, 2018

Accepted: March 18, 2019

Abstract

This article is a qualitative research for the sociological analysis of the contextual, causal and interventional conditions, as well as the unwanted and unwanted consequences and strategies of the phenomenon and central core of the article, namely, "unsustainable development of the border regions of the western country." The methodology of the paper which has been used for collecting data from individual and group interviews with the border dwellers as main actors, elites and some local development agents was qualitative. For data analysis, the grounded theory method has been used. The findings show that the consequences of various factors such as the formation of the field, the initial causative factors, interfering factors and some of the strategies that make up the phenomenon of "instability and degradation" of development in the western border regions of the country can be referred to as "instable Livelihoods of the Boundaries. Coolbari and related issues are only part of the seemingly unsustainable livelihood of the Boundaries. Examples include the rate of school dropout, internal and external migration, the prevalence of forms of exchange and risk trading transactions for example; distribution and sale or assistance in the transit of narcotic drugs, changing norms related to the family system, raising divorce rates And social damages, which are manifestly contradictory to the system and normative patterns of the most traditional society - marginalization in the cities and provincial centers, and so on. In fact, the various consequences of the unstable conditions of development in the studied border regions are mutually exclusive. For example, the unsustainability of livelihoods has a direct relation with the spread of poverty, rising unemployment, and false employment, and at the same time it is the cause and effect of the phenomenon of unsustainable development. The core of the research is formulated in relation to other issues under the title "unsustainable and out- shaped development" in the western border regions of the country.

Keywords: Border, Informal Trade, Life Experiences of Border Habitat, Unsustainable Development.

1. Assistant Professor of Sociology, Faculty Member of Social Sciences Department, Farhangian University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: rahmadrash76@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

مرز از جمله مفاهیمی است که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوتی پیدا می‌کند. مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی مانند مرزهای عقیدتی، همچنین می‌تواند باز، بسته و یا قوی باشد (عزتی، ۱۳۶۸ به نقل از عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸). مفهوم اصلی مرز در مقابل واژه Border به معنی مرز سیاسی و رسمی است. واژه Boundary معنی حدود و محدوده را می‌رساند. واژه Frontier به معنای جبهه و مرز مقابله و مواجهه، نشانگر شرایط ستیز و جنگ در مرزهای کشورهاست (پارکر^۱، ۲۰۰۱ به نقل از همان).

نقش مرزها و به تبع آن نقش شهرها و مناطق مرزی در مقایسه با دهه‌های گذشته تغییر زیادی کرده است (استریجاکویکس^۲، ۲۰۰۸:۴۶). مرز به عنوان مفهومی سیاسی همواره تغییرات ماهوی زیادی را به خود دیده است و به دنبال این تغییرات و شدت آن، زندگی افراد ساکن در مناطق مرزی نیز همواره پستی و بلندی‌هایی داشته است. در هر صورت، مرزها از قدیم بیان‌کننده حق حاکمیت سیاسی و نظارت بر منابع موجود در کشورها بوده و به عنوان حصار در مقابل تجاوزها و عاملی در برای دفاع و امنیت ملی محسوب شده است (موسوی، ۱۳۸۸: ۷). در بسیاری موارد مرز نشینان در عمل، همراه با جنبه‌های منفی ارزیابی شده‌اند و معمولاً جنبه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و یا منابع و برخورداری‌های اقتصادی و یا حتی میراث مشترک تاریخی آن‌ها با ساکنان درون مرزها و قسمت‌های داخلی نادیده گرفته شده است (گل وردی، ۱۳۹۰: ۱۵). بودن در هر فضایی تجارب خاصی را به وجود می‌آورد. فضا عاملی قوی در تعیین سرنوشت افراد، نوع و آینده شغلی آن‌ها، فرصت‌های ازدواج، کیفیت آموزشی و مواردی از این قبیل است. یک مرز سازمان‌یافته می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای افراد ساکن در آن فراهم سازد که این چالش‌ها و فرصت‌ها یا ذاتی مناطق مرزی‌اند و یا اینکه در نتیجه شیوه سیاست‌گذاری‌های اعمال‌شده در این مناطق به وجود آمده‌اند (ذکایی و نوری، ۱۳۹۴: ۱۲۱). نکته قابل تأمل این است که در امر توسعه‌یافتگی (طی فرایند توسعه)، مردمی که در مناطق پیرامونی کشورها زندگی می‌کنند، به طور معمول از کانون توجه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه به دورند. همین امر سبب می‌شود سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی آنها کاهش یابد (تودارو، ۱۳۸۷: ۲۳). این عدم توجه به نواحی پیرامونی به ویژه مناطق مرزی در طول تاریخ در روند توسعه این نواحی اختلال ایجاد کرده است و باعث کمبودهای بالقوه از

1. Parker

2. stryjakiwics

جمله؛ فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه در این نواحی استراتژیک شده و زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون قاچاق کالا، مهاجرت، شورش و ناامنی فراهم کرده است (ذکی پاشالو، ۱۳۹۳: ۲).

توسعه پایدار، یک ایده و اصطلاح بسیار گسترده است که معانی متفاوت و متعددی دارد. مفهوم توسعه پایدار، حاصل رشد آگاهی از پیوندهای جهانی مابین مشکلات محیطی افزایش یافته و موضوعات اجتماعی، اقتصادی، فقر و نابرابری و اضطراب‌های بشر درباره یک آینده سالم و مطمئن است. توسعه پایدار، در حقیقت محلی است برای به هم پیوستن موضوعات محیطی، اجتماعی و اقتصادی. (هاپوود، ۲۰۰۵: ۳۹-۳۸) از این رو، توسعه پایدار، فرایند پایدار تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و محیطی برای افزایش و ترقی رفاه و خوشبختی طولانی مدت کل اجتماع است. به عبارت دیگر، یک فرایند چندبُعدی است که به گونه‌ای پایدار، درصدد وحدت اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است (موزلی^۱، ۲۰۰۲ و ۱۲). توسعه پایدار می‌تواند به مثابه فرایند تغییرات چندبُعدی مؤثر بر جامعه تعریف شود. رشد اقتصادی، بهبود شرایط محیطی و حفظ ارزش‌های محیطی به گونه‌ای مساوی از مشخصه‌های مهم آن است (پاگلیز^۲، ۱۱۳: ۲۰۰۲-۱۱۴).

نمودار ۱- عوامل سه‌گانه متعامل در حوزه توسعه پایدار (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶)



نمودار فوق‌گویای این نکته است که پایداری توسعه معلول تعامل عوامل سه‌گانه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است. می‌توان گفت وجه مشترک همه نظریه‌پردازان توسعه مردمی و پایدار، پنج متغیر اساسی برای توسعه است تا بر این اساس توسعه فراگیر شود. وجود همه یا بعضی از این عوامل برای فراگیر شدن توسعه مردم‌گرا و پایدار ضروری است (دلپسند و همکاران، ۱۳۹۶)؛ لذا دوگانه مرز و توسعه از جهاتی می‌توانند هم‌افزایی داشته و به تقویت یکدیگر کمک کنند و از طرف دیگر، مرزی

1 - Moseley

2 - Pugliese

بودن مناطق مورد مطالعه می‌تواند به عنوان تهدیدی برای توسعه به طور کل و توسعه پایدار به طور خاص باشد.

فضا عاملی قوی در تعیین سرنوشت افراد، نوع و آینده شغلی آنها، فرصت‌های ازدواج، کیفیت آموزشی و مواردی از این قبیل است. یک مرز سازمان‌یافته می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای افراد ساکن در آن فراهم سازد که این چالش‌ها و فرصت‌ها یا ذاتی مناطق مرزی‌اند و یا اینکه در نتیجه شیوه سیاست‌گذاری‌های اعمال‌شده در این مناطق به وجود آمده‌اند (ذکایی و نوری، ۱۳۹۴: ۱۲۱). در واقع دولت‌ها به دلیل توسعه قدرت خویش در خلال گفتمان‌هایشان، جهان تحت نظارت خود را هدایت می‌کنند، با استناد به بررسی‌های تجربی، تا حد زیادی این قضیه اثبات شده که توسعه‌نیافتگی مناطق پیرامون و حاشیه کشور متأثر از شیوه سیاست‌گذاری‌های نامناسب و نامتوازن توسعه بوده است. از این رو، با گذشت چندین دهه از آغاز نسل جدید برنامه‌های توسعه، بعد از انقلاب نباید از پاسخ به پرسش‌هایی در ارتباط با «وضعیت تحقق آرمان‌های توسعه»، «جراحی عدم موفقیت و یا کند بودن نتایج مثبت برنامه‌های توسعه» و اینکه «چه باید کرد» غافل شویم. برای نمونه امانپور و همکاران (۱۳۹۴) اذعان دارند سیاست حذف قاچاق در نواحی مرزی کردستان (مریوان) بدون راهکار و برنامه مناسب جایگزین، نه تنها نتایج مثبتی نداشته، بلکه باعث ناپایداری و شکنندگی آن نواحی، کاهش کیفیت زندگی و بروز آسیب‌های جدی در زندگی اقتصادی-اجتماعی آنان شده است. مطالعات (ضرابی و شاهپوندی (۱۳۸۹)؛ طحاری و همکاران (۱۳۹۰)؛ ابراهیم پور (۱۳۸۹)) نشان می‌دهد، در طول دوره‌های مختلف، نظام برنامه‌ریزی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، استان کردستان را از لحاظ توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی و حتی انسانی، به مناطق کمتر توسعه‌یافته تبدیل کرده است و رتبه‌های آخر توسعه، سهم این مناطق بوده است.

اشاره به شاخص‌های اساسی توسعه در این ارتباط ضروری است؛ شاخص توسعه انسانی^۱ که ترکیبی است از برخورداری جمعیت از امید به زندگی در بدو تولد، نرخ باسوادی، نرخ ترکیبی ثبت نام در کلیه مقاطع تحصیلی و هزینه ناخالص سرانه، در بیشتر مناطق کردنشین در سطحی بسیار پایین قرار دارد. داده‌های تجربی سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد، مقدار این شاخص برای کل کشور ۰/۷۹۰ است، که برای استان کردستان ۰/۶۱۹ (رتبه ۲۵) برآورد شده است (مردوخی، ۱۳۹۵). شاخص فقر انسانی^۲، شاخص جامع دیگری از برخورداری‌های جمعیت است که امید به زنده ماندن تا سن ۴۰ سالگی، نرخ بی‌سوادی بزرگسالان، جمعیت فاقد

1. HDI

2. HPI

دسترسی به آب سالم، هزینه ناخالص سرانه ۲۰ درصد ثروتمندترین افراد، جمعیت زیر خط فقر و درصد جمعیت زیر خط هزینه روزانه یک دلار، اجزای آن را تشکیل می‌دهند. آمارها نشان می‌دهند نسبت شاخص فقر انسانی در کل کشور، ۱۸ درصد است و برای ایلام ۲۳/۷ درصد، کرمانشاه ۲۴/۸ درصد، آذربایجان غربی ۳۰/۴ درصد و کردستان ۳۱/۷ درصد برآورد شده است (همان). نتایج تحقیقات گسترده کشور از جمله، صادقی و همکاران (۱۳۹۳)؛ خاکپور و داوری (۱۳۹۴) و اسلامی (۱۳۹۱) نشان داده‌اند استان کردستان به همراه سیستان و بلوچستان، ایلام و آذربایجان غربی در رتبه‌های پایین توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی قرار دارند و به بحران کیفیت زندگی دچارند. به طور مثال، رتبه و درجه توسعه‌یافتگی روستاهای استان کردستان بین دیگر استان‌ها حالتی نزولی پیدا کرده، و از رتبه ۱۹ در سال ۱۳۸۳ به رتبه ۲۵ در سال ۱۳۹۳ کاهش پیدا کرده است (فیض‌آبادی و ملکی، ۱۳۹۴: ۷۸-۷۷). اشاره به آمارهای رسمی بیکاری و فقر نیز حائز اهمیت وافر است. آمارهای رسمی حکایت از آن دارد که سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۴ نرخ بیکاری ۲/۲ درصد در منطقه کردستان رشد داشته است و اکنون مطابق آمار چیزی حدود ۱۳,۶ است (مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار، ۱۳۹۵). همچنین شاخص ضریب انگل در سال ۱۳۹۴ که از بررسی نسبت هزینه‌های خوراکی و دخانی به کل هزینه‌های خانوار به دست می‌آید، به تفکیک شهر و روستا در استان کردستان، نقاط شهری ۳۲ درصد و نقاط روستایی ۴۵ درصد بوده است که در مقایسه با درصدهای ۲۳ و ۳۹ متوسط کل کشور، بیانگر فقر بیشتر در استان کردستان است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). از آنجایی که نرخ باسوادی نمایی از آسیب‌پذیری را نشان می‌دهد و دولت‌های مختلف در گفتمان‌های توسعه‌ای خود بر آن تأکید فراوانی دارند، در ترسیم سیمای کردستان حائز اهمیت فراوان است. بر طبق آمار سال ۱۳۹۵، استان کردستان رتبه ۳۰ را در بین ۳۱ استان دارد و نرخ باسوادی در استان کردستان ۸۱/۵ درصد است. به عبارتی بعد از سیستان و بلوچستان، استان کردستان کمترین نرخ باسوادی را دارد. در شاخص‌های حوزه بهداشت و درمان نیز استان کردستان در بین ۳۱ استان رتبه ۲۸ را دارد (یزدانی و منتظر، ۱۳۹۶: ۲۹۶). بر طبق داده‌های تجربی ضریب توسعه استان کردستان در بخش بهداشت ۰/۲۶۲ بوده که نشان از سطح پایین توسعه‌یافتگی و طرد این استان در گفتمان توسعه است.

از این‌رو، گسترش پدیده‌های تجاری-معیشتی نظیر کولبری و قاچاق کالا در کنار ضعف و ابهام کارکردی نقش کارگزاران توسعه، توسعه را در منطقه مورد مطالعه بیش از پیش با دشواری، مخاطره و ناپایداری مواجه کرده است. از پیامدهای چنین سیاست‌های توسعه

معیوبی، می‌توان به مسائل عدیده فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی اشاره کرد. فهم و تحلیل ابعاد مختلف ناپایداری فرایند توسعه در مناطق مرزی غرب کشور، مسئله اصلی این مقاله است.

توصیف پدیده مورد مطالعه

توسعه یکی از ابعاد مهم جامعه در حال تغییر است و در حال حاضر حق توسعه به عنوان یکی از انواع حقوق بشر محسوب می‌شود که شامل برخورداری انسان‌ها برای مشارکت در سطوح مختلف جامعه و حق دریافت کمک و بهره‌مند شدن از مواهب و مزایای توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. اصول توسعه شامل تغییرات بنیادی در ساختارهای سازمان‌ها، جوامع و مدیریت‌ها و به همان نحو تغییرات در دیدگاه مردم و در برخی موارد سنت‌ها و عقاید نیز هست (استریتن^۱، ۱۹۹۷:۵۶). در معنای ساده‌تر می‌توان توسعه را رشد همراه با عدالت اجتماعی دانست (هادیر^۲، ۲۰۰۳:۳). استان کردستان حدود ۲۹۱۵۶ کیلومتر مربع وسعت دارد که ۶/۱ درصد از مساحت ایران را در بر گرفته است، این استان در غرب ایران قرار گرفته و از شمال با استان آذربایجان غربی، از شمال شرقی با استان زنجان، از جنوب شرقی با استان همدان، از جنوب با استان کرمانشاه، از غرب با کشور عراق هم‌جوار است. بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، استان کردستان ۱۴۹۳۶۴۵ هزار نفر جمعیت دارد که ۶۶ درصد شهری و ۳۴ درصد را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد. تراکم نسبی جمعیت معادل ۵۱،۲ نفر در کیلومتر مربع است (مرکز آمار ایران).

شکل ۱- نقشه استان کردستان



1 - Streetn
2 - Hadder

سؤال تحقیق

پرسش اصلی مقاله حاضر معناکاوای دیدگاه، نظرات و ذهنیات مردم مناطق مرزی ساکن در سه استان ایلام، کرمانشاه و کردستان در خصوص پیامد سیاست‌های اقتصاد مرزی و نیز نسبت این سیاست توسعه با ناپایداری است.

پیشینه تجربی تحقیق

شرافت و یاری (۱۳۹۱)، در تحقیق خود تحت عنوان نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه روستایی مناطق مرزی، مورد مطالعه: بازارچه مرزی مهران^۱، به این اشاره کرده‌اند که بازارچه‌های مرزی به توسعه روستایی مناطق مرزی کمک شایانی کرده، این مطالعه از نوع پیمایشی بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بازارچه مرزی مهران باعث افزایش اشتغال، کاهش مهاجرت، افزایش درآمد و بهبود کیفیت زندگی ساکنان روستاهای مجاور شده است.

نتایج پژوهش افتخاری و همکاران (۱۳۸۷) با عنوان "ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه در مناطق مرزی استان کرمانشاه" حاکی از آن است که بازارچه توانسته است آثار اقتصادی مثبتی بر مناطق پیرامون خود بر جای گذارد.

لی بائوپه^۱ و همکارانش در سال ۲۰۰۴ به بررسی آثار اقتصادی-اجتماعی تجارت مرزی و تأثیر آن در افزایش استانداردهای سطح زندگی مردم، در سه ایالت کشور لائوس پرداخته‌اند. این تحقیق در چند قسمت تهیه شده است که در قسمت اول به چارچوب‌های سیاسی تجارت و اقتصاد در نواحی مرزی، در قسمت دوم به کالای تولیدشده در منطقه مورد مطالعه و چگونگی صادر شدن آن و سپس به تحلیل آثار تجارت مرزی بر روی استانداردهای سطح زندگی مردم این نواحی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تجارت مرزی در افزایش تنوع و کیفیت کالا، ایجاد اشتغال و به طور کلی افزایش استانداردهای زندگی این ایالت‌های سه‌گانه مؤثر بوده است (لی بائوپه، ۲۰۰۴).

باینگانی (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود به مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین با روش اتنوگرافی انتقادی پرداخته است. حوزه‌های مختلفی در این جستار بررسی شده است؛ آنچه در حوزه آموزشی می‌توان با تأکید بیان کرد، کاهش اقتدار فرهنگیان و افزایش ترک تحصیل در منطقه بانه بوده که محسوس و آشکار است.

آسسته^۱ در تحقیقی با عنوان "پرده برداشتن از چالش‌های مرتبط با سلامت زنان در اقتصاد غیر رسمی" (تجارت مرزی زنان مرزنشین در آکرا و غنا) در سال ۲۰۱۲ بیان کرده است که اکثر کارگران بخش غیر رسمی شهری فاقد بهداشت اولیه، امنیت اجتماعی و خدمات‌اند و در محیط ناسالم و پرخطر محیط زیست به سر می‌برند. زنان مشغول تجارت مرزی هم جزو این گروه قرار می‌گیرند. به‌رغم نقش مهم آنها در اقتصاد، در موقعیت شغلی خود با خطرات بهداشتی زیادی مواجه‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در رابطه با سلامت جسمی، با شایع‌ترین بیماری‌ها از قبیل بدن‌درد، درد پشت و پاها در ساعت‌های طولانی روز گرفتارند. همچنین روز به روز بر مشکلات روانی آنها افزوده می‌شود. آنها همچنین در راه تجارت توسط دزدان مسلح و مشتریان غیر قابل اعتماد مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند.

مرور و بررسی ادبیات تجربی موجود، بیانگر برخورداری نامتوازن و قطبی شده به عبارتی معایب و مزایای توأمان "در مرز بودگی" است، مانند مراودات تجاری، رونق نسبی تجارت، غفلت از ابعاد توسعه کشاورزی و صنعتی، تغییرات قابل ملاحظهٔ هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی مرزنشینان، مهاجرت و آسیب‌های اجتماعی، کولبری و پیامدهای آن و مسائل امنیتی که از توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی و وجود نوعی توسعهٔ بدقواره و ناپایدار در منطقه حکایت دارد. تحلیل مطالعات پیشین نشان می‌دهد الگوی توسعهٔ نامتوازن و نابرابر در مناطق ایران حاصل یک صورت‌بندی تاریخی میان سرمایه و سیاست است که در آن مناطق مرزی استان کردستان به دلیل پیرامونی بودن، مسائل قومی و مذهبی و منطق تمرکزگرایانه برنامه‌ریزی، تا حد زیادی به حاشیه رانده شده‌اند و در نتیجه زندگی اهالی آن منطقه را با فقر و آسیب‌پذیری عجین کرده است. این موضوع توسط مردوخ روحانی و دیگران (۱۳۹۷)؛ مهدی‌پور (۱۳۹۷)؛ هدایت (۱۳۹۷) و دلپسند و همکاران (۱۳۹۷) نیز تأیید شده است. نکتهٔ متمایز این مقاله، تبیین ارتباط بین دوگانهٔ مرز و توسعهٔ پایدار از طریق مصاحبه با کارگزاران توسعه، نخبگان محلی و مرزنشینان است. در حقیقت این مقاله درصدد واکاوی چگونگی برساخت ناپایداری توسعه از رهگذر حاشیه‌ای بودن و مرزی بودن مناطق مورد مطالعه است.

روش پژوهش

از نظر فلیک، مهم‌ترین دلیل در انتخاب هر روشی به مانند کیفی یا کمی ماهیت و نوع سؤال پژوهش است (فلیک، ۱۳۹۲: ۱۳). در این مقاله با توجه به ماهیت و تفهیمی بودن موضوع،

برای مطالعه تجربه زیسته ساکنان مناطق مرزی از روش کیفی استفاده شده است. این رویکرد، مصاحبه‌شوندگان را کنشگرانی فعال، هوشیار و عمدتاً مسلط بر ساخت‌های اجتماعی عینی و حالات درونی خود می‌بیند و برای مطالعه موضوعات مختلف و حوزه‌هایی که کمتر بدان توجه شده و کمتر بسط داده شده، کاربرد دارد (دارلینگتون^۱ و اسکات^۲، ۲۰۰۲). برای جمع‌آوری داده‌های شفاهی از مصاحبه استفاده شده است. در این روش، بین پژوهشگر و پاسخگو در مورد تک‌تک پرسش‌های موردنظر، ارتباط روبرو و شخصی برقرار می‌شود که منتج آن گفتگویی هدفمند است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۱).

شکل ۲- مصاحبه‌شوندگان



جدول ۱- مشخصات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان

سن	سطح تحصیلات	شغل	مصاحبه‌شونده
۳۸	-----	مرزنشین	مرد
۴۸	فوق لیسانس	فرماندار- سابق	مرد
۳۲	فوق لیسانس	نویسنده - فعال مدنی	۳
۴۵	ابتدایی	خانه دار	زن
۵۰	لیسانس	معلم	زن
۵۱	لیسانس	کارمند	زن
۳۳	لیسانس	دهیار	مرد
۳۴	لیسانس	مرزنشین	مرد
۴۹	ارشد	کارشناس کشاورزی	مرد
۴۵	لیسانس	کارمند استانداری	مرد
۲۱	لیسانس	دانشجو	زن
۴۳	دکتر	مدرس دانشگاه	مرد
۴۱	ابتدایی	خانه دار	زن
۴۶	کارشناسی	کارمند گمرک	مرد
۳۳	دکتری	کارشناس اقتصاد	مرد
۵۴	دیپلم	تاجر	مرد
۴۰	کارشناس ارشد	بخشدار	مرد
۴۲	دکتر	وکیل	مرد
۳۹	فوق لیسانس	فعال محیط زیست	مرد
۵۸	ارشد	نماینده مجلس	مرد
۳۴	دیپلم	کولبر	مرد
۴۵	راهنمایی	کولبر	مرد

1. Darlington
2. Scott

بحث و تحلیل: توصیف مدل پارادایمی

توصیف جغرافیای مورد مطالعه

مناطق مرزنشین کردستان به دلیل شرایط طبیعی و ماهیت توسعه نیافتگی در زمره مناطق منزوی به شمار می‌روند. ویژگی‌های اقتصادی، خصوصیات قومی و اجتماعی و بالاخره ضرورت‌های سیاسی این مناطق ایجاب می‌کند مسئله نیروی انسانی و اشتغال از ماهیت و ویژگی فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد. در نگاه اول، کشاورزی مناطق مرزی به علت کوهستانی بودن نسبی، محدودیت زمین‌ها و نیز معیشتی بودن و عدم تنوع آن، ظرفیت جذب نیروی کار محدودی دارد. همچنین تولیدات کشاورزی، با وجود توان‌های بالقوه در زمینه باغداری، تنوع چندانی نداشته و دامداری در این بخش نیز به صورت سنتی باقیمانده و تولیدات صرفاً برای تأمین نیازهای ساکنان روستاها بوده است. همچنین به علت مرزی بودن منطقه، ریسک سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های صنعتی و تولیدی بالاست. با وجود این مشکلات و فضا و شرایط گفتمانی مختلف، برنامه‌های توسعه نسبت به استان‌های دیگر کمک قابل توجهی به ابعاد فقر در نواحی کردستان نداشته، و باعث شده محدودیت‌ها هر روز تشدیدتر شود. در واقع با وجود برنامه‌های فقرزدایی در گفتمان‌های مختلف، مردم این نواحی امروزه برای تأمین معیشت خود به اشتغال غیر رسمی روی می‌آورند.

برخوردارگی یک منطقه از سطح قابل قبولی از توسعه مستلزم تعامل پویای عناصر زیر است: عوامل فرهنگی شامل زیرساخت‌های فکری، معرفتی، رسوم و هنجارها و باورها که موتور محرکه تغییرات نهادی را فراهم می‌کنند و نیز عوامل اقتصادی از جمله میزان معقولی از سرمایه، پس‌انداز، بنگاه‌های تولیدی، تجارت و کسب و کار و عوامل محیطی شامل جغرافیای آن منطقه، آب و منابع انرژی و... با پذیرش فرض فوق، می‌توان گفت استان‌های غربی کشور نظیر کردستان، کرمانشاه و ایلام در چارچوب جغرافیای ایران جزو مناطق مرزی به شمار می‌روند که چنان‌که مطالعات تجربی (ضرابی و شاهینندی (۱۳۸۹)؛ طحاری و همکاران (۱۳۹۰)؛ ابراهیم پور (۱۳۸۹)، احمدرش (۱۳۹۱)) نشان می‌دهد، در طول دوره‌های مختلف به‌رغم وجود میزان قابل توجهی از عوامل پیش گفته، از لحاظ توسعه اقتصادی، اجتماعی و حتی انسانی جزو مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور بوده و رتبه‌های آخر توسعه، سهم این مناطق بوده است. این حاشیه‌ای بودن از یک سو می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، چون خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد

(جونز و ویلد، ۱۹۹۴: ۲۶۰-۲۷۳) و از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌های مختلف توسعه‌ای، نگاه امنیتی داشتن به مناطق مرزی و نظام برنامه‌ریزی طی سالیان مختلف، شاخص‌های مهم توسعه‌ای را در این مناطق با چالش مواجه کرده است.

شرایط علی:

در میان شرایط علی می‌توان به ضعف کارکردی کارگزاران توسعه اشاره کرد. به این معنا که مطالعات تجربی و آمارهای رسمی حاکی از این است که به علت ترجیحات خاص و احتمالاً سوگیری خواسته یا ناخواسته کارگزاران توسعه، منطقه مورد مطالعه در حوزه سیاست‌گذاری، برای نمونه از نظر تخصیص منابع مالی و ایجاد زیرساخت‌ها، با غیبت قابل توجه‌ای مواجه بوده است. عامل دیگری که در بروز پدیده بدقوارگی توسعه در مناطق مرزی غرب کشور مؤثر بوده است، فراگیری و غلبه نگرش به مرز، به مثابه تهدید و نه فرصت است. شاید بتوان این نوع خاص از نگرش به مرز را با شکل‌گیری پایه‌های اولین حکومت متمرکز و مدرن ایران-دولت پهلوی اول- منتسب کرد. چرا که مرزنشینان همواره به عنوان مدافعان مرزها و جغرافیای کشور در ادبیات رسمی دولت مورد تمجید قرار گرفته‌اند ولی در عمل، "در مرز بودگی" عامل اصلی برخورداری نامتناسب و متعادل از مزایای برنامه‌های توسعه در ایران بوده است. بر این اساس می‌توان گفت "سامان برنامه‌ریزی در کشور بیش از آن‌که مترصد توسعه باشد، عاملی برای کنترل آن و تحکیم نفوذ دولت در چرخه اقتصاد، سیاست و فرهنگ بوده است" (طالب و عنبری، ۱۳۸۵).

از این رو، به باور بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان مسائل توسعه‌ای، مسیر تحول و تکامل تدوین برنامه‌های توسعه در ایران حکایت از آن دارد که برنامه‌ریزی در ایران به سوی اندیشه و دیدگاهی متمرکز و ایجاد دستگاهی متناسب پیش رفته که اندیشه متمرکزگرایی رشد یافته و از نتایج آن، فاصله گرفتن دستگاه‌های دولتی از مقتضیات اجتماعی و اقتصادی کشور بوده است. به گونه‌ای که در این میان دولت تنها به تدوین برنامه‌ها پرداخته بود. در نتیجه نبود ارتباط ارگانیک میان برنامه‌ها و شرایط درونی کشور زمینه‌ساز اصلی به اجرا درنیامدن کامل برنامه‌ها بوده است (احمد‌درش، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد غلبه سیاست مرکز-پیرامون در بسط توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی بی‌تأثیر نبوده است.

چون اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر، تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشند (چاندویت^۱، ۲۰۰۴)، شواهد تجربی، حکایت از آن دارد که هرچه درجه توسعه‌یافتگی کشوری بیشتر باشد، اندازه نسبی اقتصاد سیاه آن کشور، کاهش می‌یابد (اچیندر^۲، ۲۰۰۵).

شرایط زمینه‌ای: مطالعات انجام شده از جمله (احمدرش، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۱)، دلپسند (۱۳۹۶) و افتخاری (۱۳۸۷) مؤید وجود زمینه فرهنگی مناسب در جامعه مورد مطالعه است. از نظر محیطی نیز، وجود منابع سرشار آب، جنگل و کوهستان، و دشت حاصلخیز مثل دشت، کامیاران و قروه، منابع معدنی در خور توجه و ... بیانگر پتانسیل بالای محیطی و جغرافیایی برای توسعه است.

شرایط واسط یا مداخله‌گر کنش

در کنار عوامل علی و شرایط زمینه‌ای، می‌توان به عوامل مداخله‌گر نظیر مهاجرت نخبگان فکری و اقتصادی، نگاه امنیتی، بی‌برنامگی و بوروکراسی ناکارآمد و فقدان سرمایه مالی اولیه اشاره کرد که زمینه‌ساز شکل‌گیری پدیده اصلی پژوهش یعنی "ناپایداری و بدقوارگی توسعه" شده است.

راهبردها

همان‌طور که قبلاً اشاره شده در مناطق مرزی مورد مطالعه، همواره مرز از سوی کارگزاران رسمی توسعه، به مثابه تهدید نگریسته شده و به مرز، نگاه امنیتی فرادست بوده است. البته وجود سطحی از تنش سیاسی- نظامی با نیروهای مخالف نظام سیاسی در بسط چنین نگرشی بی‌تأثیر نبوده است. لازم به ذکر است که همواره دو مقوله "امنیت" و "توسعه" به ویژه در ارتباط با مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر بوده و توسعه در مناطق مرزی نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند تحقق امنیت فراگیر در کل جامعه دارد. از سوی دیگر تحقق رابطه منطقی امنیت و توسعه در مناطق مرزی مستلزم توجه خاص و جامع‌نگر به مؤلفه‌های توسعه بر امنیت و مؤلفه‌های امنیتی بر توسعه است. الین^۳ می‌گوید: «اگر مردم فضا را به دلیل عدم راحتی و یا

1. Chandoevvit
2. Schneider
3. Elin

ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است». نامنی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۸). البته توأمان بودن مفهوم مرز و امنیت باعث شده است تا در دیدگاه کارگزاران و برنامه‌ریزان توسعه اصولاً مناطق مرزی به مثابه **"نگرش خاکریزی"** در نظر گرفته شوند که در آن بناست به تقابل با نیروهای عمدتاً متخاصم برخاست که عموماً کارکرد تخریبی در فرایند توسعه کلان کشور دارند؛ لازم به ذکر است در عصر رسانه‌ای ارتباطی حاضر، تغییرات ناشی از جریان‌های فرادست منطقه‌ای و جهانی از جمله؛ جهانی شدن فرهنگ و اقتصاد، درهم تنیدگی فضا، زمان و حتی هویت و ... خط بطلانی بر فرض خاکریز بودن مرزها کشیده است. امروزه در عرصه جهانی شاهد غلبه **"نگرش پلی"** به مرزها هستیم. نگرشی که از پتانسیل‌های ارتباطی، مراودات تجاری، فرهنگی، اقتصادی و نهادی موجود و اغلب مشترک دو طرف مرز به عنوان فرصتی در جهت سیالیت فرایند توسعه داخلی و محلی استفاده بهینه می‌کند.

راهبرد دیگری که به عنوان راهبردی ناکارآمد توسط بوروکراسی اداری و عموماً سیاست‌زده و نه شایسته‌سالار انتخاب شده است، کلنگی بودن سیاست‌های محدود توسعه‌ای در سطح محلی بوده است. به این معنا که در نتیجه مدیریت نه چندان ریسک‌پذیر و خلاق، غلبه روزمرگی و روتین در اجرای برنامه‌ها، اصولاً مانع هرگونه برنامه‌ریزی بلندمدت و میان‌مدت شده است.

تصویری که در رسانه‌ها و از جمله تلویزیون از مناطق مرزی ارایه می‌شود، تصویری غیر واقعی است که بر مبنای محدود اطلاعات سطحی و با فاصله از واقعیتی است که در بطن زندگی اجتماعی - اقتصادی مردمان مناطق مرزی کشور جاری و ساری است، ارائه می‌شود. تصویری که مناطق مرزی را در قالب مقاصد توریسم تجاری و پاساژهای مملو از کالاهای عمدتاً لوکس و ارزان خارجی در بانه، پیرانشهر، جوانرود و ... با مردمانی مهمان‌نواز، دارای لهجه، ساده‌لوح و گاهی فرصت‌طلب و ... نشان می‌دهد. این امر، نتیجه همان رویکرد غالب مرکز- پیرامون است که در تقسیم‌کاری خودخواسته، مرزنشینان و مراودات رسمی و عمدتاً غیر رسمی و قاچاق را در خدمت نوعی شبه‌طبقه بورژوازی تجاری رانتیر، به رسمیت می‌شناسد. در این نگرش مرز وضعیت برزخی دارد که به عنوان دالان رونق بازارهای مناطق مرکز و انتقال محدود مازاد اقتصادی عمل کند، انتقال ناشی از مراودات مرزی به مرکز از طریق نوعی مقاطعه‌کاری بین همان طبقه بورژوازی تجاری مرکز نشین با نخبگان محلی (که به دلیل

وابستگی و استفاده محدود از رانت می‌توانند سود قابل ملاحظه‌ای از طریق نوعی سرمایه‌گذاری دلال‌گونه از مراودات رسمی و غیر رسمی مرزی نصیب خود کنند) و یا مهاجرت سرمایه‌ها از مناطق مرزی غرب کشور به مقاصد عمده شهری و سرمایه‌ای در پایتخت یا کلان‌شهرها. نتیجه چنین رابطه نامتعادل و نابرابری بین مرکز و پیرامون توسعه بیشتر مرکز و رشد و انباشت توسعه نیافتگی در حاشیه است. طرفه اینکه نتیجه چنین رابطه نابرابری صرفاً به انتقال مازاد اقتصادی محدود نیست بلکه در مواردی با تخریب محیط زیست، استثمار منابع معدنی، انتقال بین‌حوزه‌ای آب بدون در نظر گرفتن سهم و منافع واقعی مبدأ، خود بر عمق تروماتیک‌بودن توسعه و ناپایداری آن در مناطق مرزی غرب کشور می‌افزاید.

در کنار عوامل فوق، بایستی به پدیده "آلایندگی سیاسی" سیاست‌های توسعه در مناطق مرزی نیز اشاره کرد. پدیده‌ای که به ضعف مدیریت محلی توسعه انجامیده و مسیر تولد یک گروه نخبه و پیشرو از کارگزاران و مدیران محلی آشنا به مسائل و ابعاد مختلف "مرزنشینی" را مسدود کرده است. تا جایی که به جای وجود یک بوروکراسی فعال اداری و یک بخش پویای خصوصی، ما در منطقه در شرایط فقدان یک بخش خصوصی مواد و بالنده، مدیران دولتی بخشنامه‌ای و غیر ریسکی داریم. لازم به ذکر است بسیاری از این عوامل تحت تأثیر شرایط مرکز است؛ یعنی اقتصاد، فرهنگ و توسعه در سایر مناطق از جمله در مناطق مرزی غرب کشور جدای از مسائل کلان کشور نیست ولی بنا به دلایل پیش‌گفته و سایر عوامل مکنون، داستان توسعه در مناطق مرزی به غایت بغرنج‌تر، نامتوازن‌تر و ناپایدارتر از سایر مناطق کشور خصوصاً مناطق مرکزی است.

پیامدها

از جمله پیامدهای زمینه، عوامل علی‌اولیه، عوامل مداخله‌گر و برخی راهبردهای برساننده پدیده "ناپایداری و بدقوارگی" توسعه در مناطق مرزی غرب کشور، می‌توان به "ناپایداری معیشت مرزنشینان" اشاره کرد. کولبری و مسائل مرتبط با آن، تنها بخشی از نمود ظاهری معیشت ناپایدار مرزنشینان است. این امر در موارد دیگری چون نرخ ترک تحصیل فرزندان، مهاجرت درون و برون‌استانی، شیوع اشکالی از مبادلات و معاملات تجاری ریسکی برای نمونه پخش و فروش و یا کمک به ترانزیت مواد مخدر، تغییر هنجارهای مرتبط با نظام خانواده، افزایش نرخ طلاق و آسیب‌های اجتماعی - که با نظام و الگوهای هنجاری جامعه عمدتاً سنتی در تضاد آشکار است -، حاشیه‌نشینی در شهرها و مراکز استان و ... اشاره کرد. در

حقیقت پیامدهای مختلف شرایط ناپایدار توسعه در مناطق مرزی ضمن هم‌افزایی یکدیگر، مثلاً ناپایداری معیشت، ارتباط مستقیمی با گسترش فقر، افزایش نرخ بیکاری، و اشتغال کاذب دارد و در همان حال هم علت و معلول و مقوم پدیده توسعه ناپایدار و بدقواره است. از دیگر پیامدها می‌توان به فرسایش سایر ابعاد توسعه از جمله حوزه فرهنگ و هنر و اجتماع و نیز تقلیل فرایند توسعه به برخی سیاست‌های تجاری در قالب بازارچه‌های مرزی اشاره کرد. درهم تنیدگی عوامل آسیب‌زای پیش‌گفته، به شیوع نوعی اقتصاد سیاه در منطقه کمک کرده است.

تحلیل و ارائه نظریه زمینه‌ای

مناطق مرزی کشور همواره از قدیم به لحاظ موقعیت جغرافیایی، مناسبات قومی و سوابق تاریخی، منشأ انجام پاره‌ای ارتباطات و مبادلات مرزی میان ساکنان دوسوی نوار مرزی بوده‌اند. همین امر مسئله مدیریت و اداره مناطق مرزی را از مدیریت سایر مناطق کشور ویژه‌تر می‌کند. این امر مستلزم توجه ویژه برنامه‌ریزان توسعه و سایر مسئولان مرتبط با سیاست‌گذاری توسعه به مناطق مرزی، بر اساس ویژگی‌های خاص آن مناطق و نیز در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی، منابع مشترک مرزی و ... مردمان آن طرف مرز است.

شواهد حاکی از آن است که پیامدهای ناشی از ناپایداری توسعه در مناطق مرزی سایر حوزه‌های مرتبط با زندگی مرزنشینان را تحت تأثیر قرار داده است. برای نمونه، تحصیلات در مناطق مرزی در بعد ساختاری تحت تأثیر دو عامل اقتصادی و کلیت تحصیلات در کشور قرار می‌گیرد (ذکائی، ۱۳۸۶: ۲۰۸). لذا نرخ قابل توجه بیکاری تحصیل‌کردگان، نرخ ترک تحصیل و بی‌علاقگی به تحصیل، دگرگونی‌های ارزشی - هنجاری و ... بخشی از این پیامدهاست. یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گوید: «دانشگاه‌رفته‌های بیکار زیاد که نه ولی به نسبت کم نیستن که الان تو بازار مشغول کارند. دقیق اینا جایگاهی نداشتن که استخدام بشن و همه اینا رو داریم می‌بینیم» (دانیال، ۲۵ ساله؛ همین نکات رو مسعود ۲۴ ساله نیز تکرار می‌کند).

بسیاری از جوانان مناطق مرزی به خاطر ذهنیت و واقعیت بازاری مسیر ادامه تحصیل را به کلی جدا از بازار فرض می‌کنند و معتقدند برای رسیدن به موفقیت‌های تجسم‌شده در ذهن، باید ترک تحصیل کرد:

از جمله پیامدهای این توسعه بدقواره را باید در درک متفاوت از زندگی و متعاقب آن تأییدهای منزلتی ناشی از ورود پول به جامعه عمدتاً سنتی دانست. پیامدی که حوزه فرهنگ و اجتماع را توأمان تهدید کرده و از همین رهگذر به بسط بدقوارگی و ناپایداری توسعه کمک

کرده است. مشاهدات میدانی حاکی از این بود که اکثر افراد از تجربه‌های زیسته خود در جامعه مرزی می‌گفتند و معتقد بودند با این شرایط اقتصادی تا دورانی خاص، ذهنیت پولی به زندگی اکثریت مردمان رسوخ کرده است. با این فرهنگ پولی واسطه‌گران اقتصادی به الگوهای مرجعی تبدیل می‌شوند، در اذهان اهالی منطقه دارای شان و منزلت بالایی هستند و نه تنها معیارهای جدیدی از مصرف را عرضه می‌کنند، بلکه الگویی برای دیگر افراد جامعه و خصوصاً جوانان شده‌اند. دلالتان تجاری وابسته به مرکز، با نمایش گذاشتن قدرت اقتصادی خود خیلی از مرزهای مصرف را شکسته و چشم‌وهم‌چشمی‌هایی را در حوزه مصرف و سبک زندگی در سطح وسیعی ایجاد کرده‌اند. افرادی که از رانت‌های مختلف بهره می‌برند و توانسته‌اند از آن به نفع خود استفاده کنند، بیشترین سود را برده‌اند و سایرین به علت نداشتن رانت یا سرمایه اولیه رقابتی در بهترین حالت توانسته‌اند در قالب مشاغل کاذبی چون دست‌فروشی و یا کولبری ارتزاق کنند. در تقابل آن کسانی که نتوانند خود را با این بافت منزلتی تطابق دهند، در جامعه احساس طردشدگی خواهند داشت و در حاشیه فرایند توسعه قرار گرفته بر جامعه هزینه‌هایی را تحمیل خواهند کرد. یکی از افراد بازاری به اسم بهزاد بیان می‌کرد.

"در این جامعه آنچه برای شخصیت یک فرد خیلی مهم است مقدار دارایی که دارد، است و اگر واقعاً خیلی داشته باشد در منظر مردم دیگر خوب و قدرتمند و برجسته‌تر می‌شود و طرد نمی‌شود و حالا چه از طریق بازار و چه از طریق تحصیل پولدار بشی. فرقی نمی‌کند» (بهزاد، ۳۴ ساله).

واقعیت اصلی این است که تجربیات به دست آمده نشان می‌دهد توسعه محلی و بسط منابع محلی پیش از اتکای روزافزون به منابع و سرمایه وارداتی، به منابع محلی متکی است؛ تقویت توسعه محلی مستلزم توسعه‌ای پایدار، مردم‌محور و مشارکتی و حکمروایی خوب کارگزاران محلی است و برای این مهم ناگزیر است که مشارکت فعال افراد جامعه را در نظر گرفته و به مردمش فرصت آن را دهد که توسعه جامعه خویش را تحقق بخشند؛ اینجاست که نقش کارگزاران محلی از اهمیت خاصی برخوردار شده و بی‌بدیل می‌شود.

بنابراین توسعه می‌تواند در جهت تحرک اقتصادی از طریق منابع محلی، منابع دولتی و همچنین فرصت‌های مبادلات مرزی شکل بگیرد؛ یعنی به جای تأکید بر کولبری در مناطق مرزی، باید بر همکاری مشترک تجاری، معافیت‌های بازرگانی، ایجاد و استقرار صنایع و امکانات مشترک و خواهرخواندگی شعاعی از دو طرف مرز تأکید شود. در این شعاع، می‌تواند گسترش خدمات‌رسانی هم تعریف شود. چرا که نواحی مرزی در معرض تلاقی ساختارهای

اقتصادی، سیاسی و محیط‌های اجتماعی - فرهنگی غیر همسان بوده و بنابراین می‌توانند به عنوان مانع و یا کاتالیزور توسعه عمل کرده در نتیجه به مسیرهای توسعه منطقه‌ای متفاوت در طرفین مرز منجر شود.

لذا شایسته است به منظور اصلاح شرایط موجود و استفاده از پتانسیل‌های مناطق مرزی مورد مطالعه نظیر مزیت‌های همجواری با یک اقلیم جوان که می‌تواند مقصد و شریک مناسبی برای تجارت مرزی و کالای‌های تولیدی کشور باشد، منابع سرشار معدنی، انرژی، توریسم و گردشگری، نیروی کار به نسبت ارزان و فراوان، دشت‌های حاصلخیز کشاورزی، وجود منابع سرشار آب در دو طرف مرز، از طریق تزریق بودجه‌های جهشی، تقویت و تعریف قطب‌های رشد و توسعه منطقه‌ای، ایجاد و تسهیل مراودات مرزی از طریق ایجاد و گسترش بازارچه‌های مرزی، ایجاد مناطق آزاد تجاری، حرکت به سوی گسترش حکمرانی مطلوب محلی از طریق جذب و به کارگیری شایستگان و نخبگان محلی در حوزه‌های اقتصادی سیاسی و فرهنگی، بذل توجه به ارزش‌های فرهنگی، قومی، هویتی، زبانی و مذهبی مردمان مناطق مرزی، می‌توان زمینه بسط و گسترش توسعه‌ای متوازن، معقول و پایدار را فراهم ساخت. بدیهی است که از رهگذر تقویت فرایند چنین توسعه پایداری می‌توان ضمن بهبود جنبه‌های زیست شرافتمندانه در مناطق مرزی و استفاده بهینه و معقول از امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موجود در مناطق مرزی، ضمن تبدیل برخی تهدیدهای ناشی از توسعه‌نیافتگی و در حاشیه بودگی به فرصت، به تحکیم پایه‌های همزیستی و همکاری‌های ملی - محلی در ابعاد مختلف کمک کرد. نتیجه چنین نگرش و تعامل پویای می‌تواند تحریک بخشی به توسعه کلان ملی باشد.

تحلیل عوامل مختلف مؤثر بر شکل‌گیری مقوله مرکزی مقاله حاضر از جمله عوامل زمینه‌ای، واسط و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای ناشی از تأثیر زیستن در مرز پیامدهای سیاست‌های توسعه‌ای متناظر با آن بر زندگی فرودستان مرزی، از جمله ناامنی شغلی، قاچاق کالا، کولبری، ارزش‌زدایی از تحصیلات، شکاف طبقاتی، رواج فرهنگ پولی، تخریب محیط زیست، فرسایش سرمایه اجتماعی و تضعیف سامانه‌های دانش بومی و محلی و ضعف زیرساخت‌های اقتصادی - صنعتی ما را به ارائه نظریه زمینه‌ای توسعه ناپایدار و بدقواره مناطق مرزی غرب کشور رهنمون شده است.

پیشنهادات

- تزریق بودجه‌های جهشی جهت ایجاد زیر ساخت‌های لازم توسعه مانند، راه، فرودگاه، و صنایع تبدیلی و مناطق آزاد تجاری
- توجه به پتانسیل‌های مثبت اقتصاد مرزی مانند؛ مبادلات کالایی، بازارچه‌های مشترک،
- کمک به مردمان محلی در بهره‌گیری بهتر از منابع آب و خاک و سایر منابع سرشار طبیعی و معدنی موجود در منطقه
- تغییر نگرش امنیتی به منطقه و کمک به گسترش توریسم
- حمایت از کسب و کارهای کوچک محلی و بومی در مناطق مرزی

منابع

- ابراهیم‌پور، صدیقه (۱۳۸۹). رتبه‌بندی استان‌های ایران بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.
- احمدرش، رشید (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان، تز دکترای جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران به راهنمایی: دکتر مصطفی ازکیا و دکتر موسی عنبری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ارزیابی مبادلات مرزی در اقتصاد کشور (۱۳۸۰). وزارت بازرگانی، معاونت بازرگانی خارجی.
- ازکیا، مصطفی؛ ایمانی جاجرمی، حسین؛ فرضی زاده میاندهی، زهرا (۱۳۸۴). روش‌های کاربردی تحقیق: کاربرد نظریه بنیانی. نشر کیهان.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی. تهران، اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه. تهران، کلمه.
- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۹۱). تعیین و محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور طی دو مقطع (۱۳۸۵-۱۳۷۵). مجله اقتصادی بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱، صص ۶۸-۴۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). ساختار و تأویل امنیت. فصل‌نامه مطالعات راهبردی. سال پنجم، شماره ۱. صص ۲۳-۳۷.
- افتخاری، رکن‌الدین و همکاران (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی، مطالعه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی (استان کرمانشاه). ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۲. صص ۴۳-۵۲.

- امانپور، سعید؛ سوران منوچهری؛ مهنار اکبری و زهرا عباسی (۱۳۹۴). تحلیلی بر تأثیرات حذف قاچاق کالا بر تغییرات سطح کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان مریوان)، فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی، دوره ۲۴، شماره ۹۶، صص ۱۷-۲۹.
- امین‌زاده، فتاح (۱۳۹۰). صد سال تاریخ اقتصاد بانه، نشر آنا.
- آیین‌نامه اجرایی بازارچه‌های مرزی (۱۳۷۱). اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی کشور.
- باینگانی، بهمن (۱۳۹۳). مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین (اتنوگرافی انتقادی بازار مرزی بانه). دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، رشته جامعه‌شناسی، پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- جلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- خاکپور، براتعلی و مسعود داوری (۱۳۹۴). سنجش میزان توسعه اقتصادی استان‌های کشور و شناخت جایگاه خراسان رضوی با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای. فصلنامه علمی- پژوهشی خراسان بزرگ، سال پنجم، شماره ۱۶.
- دلپسند، کامل و همکاران (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی زیست جهانی اجتماعی کولبران مرزی. مجموعه مقالات همایش ملی جامعه‌شناسی مرز: سیاست‌های توسعه و حیات اجتماعی مرزنشینان. دانشگاه کردستان، صص ۵۶-۶۱.
- دل‌پسند، کامیل (۱۳۹۶). توسعه محلی و کارگزاران تغییر. رساله دکترای جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر تقی‌آزاد ارمکی.
- دنیای اقتصاد، (۱۳۹۶). شماره دهم اسفند.
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی جوانان ایران. تهران، انتشارات آگاه. چاپ اول.
- ذکائی، محمد سعید و آرام نوری (۱۳۹۴). زندگی در مناطق مرزی: مطالعه پدیدار شناختی مرزنشینان شهر نوسود. جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره ۴، صص ۱۵۱-۱۱۱.
- ذکائی، محمد سعید و نوری، آرام (۱۳۹۴). زندگی در مناطق مرزی، مطالعه پدیدار شناختی مرزنشینان شهر نوسود. جامعه‌پژوهی فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۵۱-۱۱۹.
- ذکی، پاشالو؛ یاشار، احمد (۱۳۹۳). «بررسی کاربرد بازارچه‌های مرزی آذربایجان غربی». همایش ملی مرزنشینی، توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری. پارس‌آباد مغان.

زرقانی، سید هادی (۱۳۹۱). تحلیلی سیاسی فضایی بازارچه‌های مرزی در اقتصاد ایران (نمونه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان). *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره شانزدهم، شماره یک، صص ۲۳-۲.

شرافت، سجاد و یاری، مجید (۱۳۹۱). نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه روستایی مناطق مرزی (مورد مطالعه: بازارچه مرزی مهران). *همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت: چالش‌ها و رهیافت‌ها*، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

ضرابی، اصغر و احمد شاهپوندی (۱۳۸۹). تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های ایران، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۳۲-۱۷.

ضرابی، اصغر و احمد شاهپوندی (۱۳۸۹). تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های ایران، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۳۲-۱۷.

طالب، مهدی و عنبری موسی (۱۳۸۵). دلایل ناکامی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم. *نامه علوم اجتماعی*، شماره پیاپی ۴۳، ۲۷-۴۷.

طحاری مهرجردی، محمد حسین و همکاران (۱۳۹۰). رتبه‌بندی استان‌های کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش بهداشت و درمان. *نشریه مدیریت اطلاعات سلامت*، دوره ۹، شماره ۳، صص ۳۶۹-۳۵۶.

طحاری مهرجردی، محمد حسین و همکاران (۱۳۹۰). رتبه‌بندی استان‌های کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش بهداشت و درمان. *نشریه مدیریت اطلاعات سلامت*، دوره ۹، شماره ۳، صص ۳۶۹-۳۵۶.

عندلیب علیرضا (۱۳۸۰). *نظریه‌های پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران. *باغ نظر*، شماره ۱۲.

فلیک، اوه (۱۳۹۲). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*. تهران، نشر نی
فیض‌آبادی، یاسر و فاطمه ملکی (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان‌های ایران، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصاد روستایی و کشاورزی*، دوره اول، شماره اول، صص ۸۲-۷۱.

گل وردی، عیسی (۱۳۹۰). محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی نواحی مرزی، *فصلنامه رفاه و سیاست‌گذاری*، سال دوم، شماره سوم، صص ۴۳-۳۴.

محمودی، علی (۱۳۸۱). *بررسی موانع و مشکلات بازارچه‌های مرزی*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۱۳ و ۱۰.

مراتب، مریم (۱۳۸۴). *نگاهی به منطقه آزاد ارس*. استانداری آذربایجان غربی.

مردوخ، بایزید (۱۳۹۵). *مروری بر علل و عوامل درونی توسعه نیافتگی مناطق کردنشین ایران؛*

<http://bavezmardukh.com>

مرکز آمار ایران، اطلاعات سرشماری ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰، بخش اقتصادی- اجتماعی، سایت مرکز آمار ایران موسوی، میرنجف (۱۳۸۸). *تحلیل کارکرد مرز بر ساختار فضایی شهرهای مرزی استان آذربایجان غربی. پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.*

هدایت، عثمان (۱۳۹۷). *تجربه کولبران مرزنشین و سیاست های گمرکی، مورد مطالعه، کولبران شهرستان مریوان. مجموعه مقالات همایش ملی جامعه شناسی مرز: سیاست های توسعه و حیات اجتماعی مرزنشینان. دانشگاه کردستان.*

وبلن، تورستاین (۱۳۸۳). *نظریه طبقه مرفه. ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.*

یزدانی، محمد حسن و فرامرز منتظر (۱۳۹۶). *بررسی شاخص های بهداشتی و درمانی استان ها و مناطق ده گانه کشور ایران. مجله بهداشت و توسعه، سال ششم، شماره ۴.*

- Asente, CW (2012). *Unraveling the health- related challenges of women in the informal economy: accounts of women in cross- border trading in Accra, Ghana*, Geojournal.
- Chandoevrit, worawan, (2004). *Thailand's cross border economy, a case study of sakaeoand Chiangrai*; Thailand development resources institute.
- Darlington, Y. and Scott, D. (2002). *Qualitative Research in Practice Stories from the Field*. Singapore, South Wind Productions.
- Hadder, H. (2003). *Urbanisation and Regional Development*, Maruzen, Planning: Mixing data, experts and Gis p, 3.
- Hassmanns, R. (2004). *Measuring the informal economy: From employment in the informal, sector to informal employment. ILO Geneva, Working paper (53)*.
- Jones, Phillip N.; Wild, Trevor (1994). "Opening the Frontier: Recent Spatial Impacts in the Former Inner- German Border Zone". *Regional Studies*, Vol. 28, No. 3: 259-273.
- Kratke, S. (1998) *Regional integration or fragmentation? The German-Polish border region in a new Europe, regional studies*, Vol, 33.7.
- Leeboupao, Leeber, Phonesaly Souksavath, Phetsamone Sone, Souphith Darachanthara, Vanthana Norintha (2004). *Lao PDR Cross Border Economy, Case Study In Dansavanh, Savannakhet, and Houaysai/ Tonpheung, Lao PDR, National Economic Research Institute*. 44-59
- Moseley, Malcolm j, (2002). *local rural development principles and practice*. university of Gloucestershire.
- Pál, Ágnes, (2011). *New results of cross border cooperation: The impact of border zones location on spatial feature of SZEGED'S trade*. The Department of Social Geography and Regional Development Planning Humanitarian Policy Group Overseas Development Institute 111 Westminster Bridge Road London of the University of Debrecen & Institute for Euroregional Studies.
- Phangaphanga, Clement. (2007). *Integrating Rural Development and Export Trade*. Government of Malawi, Ministry of Industry, Trade and Private Sector Development.
- Pugliese patrizia (2001). *organic farming and sustainable rural development, a manifested and promising governance in sociological rural. European society for rural sociology*. vol. 41.
- Schneider, Friedrich (2005). *Shadow Economies Around the World: What Do We Really Know? European Journal of Political Economy*, Vol. 21

-
- Streeten, Elsevier (1997). *The special Problems of Small countries*. World Development, Stryjakwics, T. (2008). The changing role of border zones in the transferring economic of East- central Europe: *The case of Poland*, *Geogoiurnal*, vol, 44, No.3.
- Woodhan, Joma than, M. (1993). *Ornament and Industry Design*. In *Industrial Design reflection of acentury*. edited by Jocely de Moblet, Flammarim. Apci, Paris.